

بسم الله الرحمن الرحيم

فیث منبر

امام زمان (علیه السلام) در آئینه القاب

@mobaleghanhoseni

کانال فیث #منبر #مرثیه #ملیحه

تهیه و تنظیم: کانال فیث منبر، مرثیه و ملیحه

القاب ائمه اطهار، عليهم السلام، از آن جمله القاب امام زمان، عجل الله تعالى فرجه، یکی از راه های مهم شناخت خصایل و فضایل آن حجت های به حق الهی است .

در این نوشته تلاش می شود تا از طریق ارایه توضیح مختصر در زمین علیه السلام برخی از لقب های حضرت بقیه الله، با ابعاد مختلف ویژگی ها و اوصاف آن حضرت از منظر القابی که برای او تعیین شده است بیشتر آشنا شویم .

برای امام زمان علیه السلام اسامی و لقب های زیادی ذکر شده است در کتاب نجم الثاقب مرحوم محدث نوری حدود صد و هشتاد و دو نام و لقب و در کتاب نام نامه حضرت مهدی علیه السلام به حدود سیصد و ده اسم و لقب آن حضرت اشاره شده است . گفتنی است که منشا اصلی این نام ها و لقب ها علاوه بر تصریح ائمه اطهار، عليهم السلام، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ادعیه و زیارتنامه هایی است که برای امام زمان علیه السلام ذکر شده است .

در اینجا به برخی از مهمترین القاب آن حضرت اشاره می کنیم :

۱. مهدی: یکی از مشهورترین لقب های امام زمان علیه السلام مهدی است . درباره علت نامیده شدن آن حضرت با این لقب روایت های مختلفی ذکر شده است . حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند :

هنگامی که مهدی ما قیام کنند ثروت ها را بطور مساوی تقسیم و در جامعه به عدالت و دادگری رفتار می کند . هر کس از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند از خدا نافرمانی کرده است . و آن حضرت را «مهدی» نامیده اند چون به امور پنهان و نهانی هدایت می گردد^(۱) .

درباره امور نهانی که آن حضرت به آنها هدایت می شود یا هدایت می کند با توجه به تعبیر روایات نظرات چندی بیان شده است . از آنجا که در دوره غیبت مخصوصا دوران غیبت کبری در اثر پیدا شدن تبلیغات ضددینی و تفسیرها و برداشت های نامناسب از احکام دین و نفوذ خرافات و اندیشه های غلط غیردینی به اصول و تعالیم اصیل اعتقادی مردم دین اصلی و حتی قرآن اصلی را فراموش خواهند کرد . آن حضرت پس از ظهور قرآن اصیل و احکام واقعی اسلام را از لابلای آنهمه تحریفات و تفسیرهای ادرست بیرون خواهند کشید به گونه ای که حتی مردم گمان خواهند کرد که ایشان یک دین و آیین جدیدی را مطرح می کنند به این مناسبت آن حضرت را مهدی می گویند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند :

دوازدهمین فرزندم به گونه ای غایب خواهد شد که اصلاً دیده نخواهد شد و در این دوره غیبت وقایع سختی رخ خواهد داد و در نتیجه طولانی شدن این دوره زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسم و خطی اثری باقی نخواهد ماند. در آن موقع خداوند متعال به وی اجازه خواهد داد تا قیام کند آنگاه به وسیله او اسلام را تقویت و تجدید خواهد کرد^(۲).

بر طبق این دیدگاه چون حضرت مهدی علیه السلام مردم را به حقایق پنهان شده دینی راهنمایی خواهند کرد او را مهدی می گویند.

دیدگاه دیگر این است که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را از این رو مهدی می گویند که مردم را به اموری که بر آنها پوشیده است راهنمایی خواهد کرد. وی پس از ظهور جهت ارشاد پیروان ادیان دیگر کتاب های آسمانی تحریف نشده آنها را به آنها نشان خواهد داد و از این طریق آنها را با دین اصیل خودشان آشنا خواهد ساخت و بر اساس همان احکام تحریف نشده آیین خودشان با آنان رفتار خواهد کرد. در روایتی می خوانیم از جمله کارهای حضرت امام زمان علیه السلام پس از ظهور این است که وی تورات اصلی و انجیل اصلی و سایر کتاب های انبیای گذشته را از یک مخفیگاه خارج خواهد ساخت^(۳).

دیدگاه دیگر این است که آن حضرت پس از ظهور مردم را در تمام زمینه هایی که به بیراهه رفته اند ارشاد خواهند کرد تا به راه و شیوه های درست دست یابند؛ چون انحرافات دوران غیبت تنها در احکام دینی نیست چرا که در اثر جهل و ناآگاهی در عرصه های سیاسی، علمی و صنعتی نیز مردم دچار اشتباهات زیادی می شوند. طرفداران این برداشت نیز به برخی از روایات که مشتمل بر تعابیر خاصی هستند تمسک می جویند. به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمودند:

آن حضرت را مهدی می گویند چون مردم را به اموری که گم کرده اند هدایت می کند^(۴)

این تعبیر شامل انحراف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و ... نیز می شود.

نتیجه آنکه می توان گفت چون امام زمان علیه السلام به برکت علم بی نظیری که مردم را در تمام عرصه های حیات فردی و اجتماعی و علمی و دینی به راه صحیح هدایت خواهند کرد و آنها را از تمام گمراهی ها نجات خواهند داد به این مناسبت آن حضرت را «مهدی» می گویند. البته در برخی روایات نیز به این نکته هم اشاره شده است که

یکی از چیزهای مخفی که حضرت مهدی علیه السلام مردم را به آن هدایت خواهند کرد . ذخایر زیرزمینی و معادن است که شاید این لقب به این قبیل از عملکردهای حضرت مهدی علیه السلام نیز دلالت داشته باشد .

۲. قائم: گرچه همه انبیا و امامان با توجه به شرایطی که در آن واقع شده بودند قائم به حق بودند اما حضرت مهدی علیه السلام را بالخصوص قائم لقب داده اند . وقتی ابوحمزه ثمالی به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردند :

ای فرزند رسول خدا مگر همه شما اهل بیت قیام کننده به حق نیستید؟

حضرت فرمودند :

چرا همه ما برای حق قیام می کنیم .

آنگاه ابوحمزه سؤال می کند :

پس چرا از بین همه اهل بیت فقط به صاحب الامر علیه السلام قائم گفته می شود؟

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند :

موقعی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام به شهادت رسیدند همه فرشتگان آسمان ها از این پیشامد ناراحت و متالم شدند . خداوند متعال به منظور دلداری آنها امامان نه گانه از نسل امام حسین علیه السلام را به آنها نشان دادند آنگاه که به مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله که در آن حال مشغول نماز و نیایش به درگاه حضرت حق بودند رسیدند خداوند متعال فرمودند: این همان قائمی است که به وسیله قیام او از قاتلان حسین بن علی علیه السلام انتقام خواهم گرفت (۵) .

و امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند :

مهدی علیه السلام را به خاطر قیامش برای حق قائم نامیده اند (۶) .

بر طبق این قبیل از روایات چون دوازدهمین جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگترین حکومت و قیام اصلاحی دینی را در طول تاریخ حیات بشر انجام خواهد داد و در سرتاسر حکومت عدل جهانی اسلام را مستقر خواهد ساخت به آن حضرت لقب «قائم» داده شده است .

در این باره روایت های دیگری نیز هست که از بعد دیگری این مطلب را مورد توجه قرار داده اند که البته منافاتی با برداشت دسته اول ندارد . بر طبق این دیدگاه آن حضرت را قائم می گویند چون سال ها پس از غیبت وقتی که مردم در اثر طول زمان یاد و خاطره آن حضرت را کم کم در اثر مشغول شدن به زینت های دنیا فراموش کردند، آن حضرت قیام خواهند کرد و حکومت عدل جهانی را در سرتاسر عالم برقرار خواهند ساخت «قائم» نامیده شده است .

در این زمینه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضرت فرمودند :

از این جهت قائم ما اهل بیت را قائم نامیده اند که پس از فراموش شدن نامش قیام می کند ^(۷) .

و یا وقتی از امام جواد علیه السلام سؤال می کنند چرا او را قائم می نامند؟ در جواب می فرمایند :

زیرا بعد از آنکه نام آن حضرت از خاطره ها فراموش شود و اکثر مفقودین به امامت آن حضرت از دین خدا و اعتقاد به امامت حضرت مهدی علیه السلام رویگردان شوند او قیام می کند ^(۸) .

و نقل شده است به محض شنیدن ظهور آن حضرت عده ای خواهند گفت: در طول این همه سال چگونه ممکن است او زنده مانده باشد باید تاکنون استخوان های او هم پوسیده شده باشد . چطور ادعا می کند که او قیام کرده است؟ اما در هر حال آن زمانی که شرایط فراهم گردد و به اذن پروردگار عالم او قیام خواهد کرد . عظیمترین انقلاب قابل تصور را رهبری خواهد نمود و قافله بشریت را به سعادت واقعی رهنمون خواهد شد .

ادامه دارد

پی نوشت ها :

۱ . عقد الدرر، باب ۳، ص ۴۰؛ اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۱۰ و ۱۶۹ .

۲ . منتخب الاثر، ص ۹۸ .

۳ . بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹ .

۴ . اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۱۰ .

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۶. همان، ص ۳۰.

۷. معانی الاخبار، ص ۶۵.

۸. کمال الدین، ص ۳۷۸.

اشاره :

القاب ائمه اطهار (ع) از آن جمله القاب امام زمان (عج) یکی از راه های مهم شناخت خصایل و فضایل حجت های به حق الهی است .

در این نوشته تلاش می شود تا از طریق ارایه توضیح مختصر در زمینه برخی از لقب های حضرت بقیه الله با ابعاد مختلف ویژگی ها و اوصاف آن حضرت بیشتر آشنا شویم .

۳. موعود :

یکی از لقب های بسیار معروف حضرت مهدی (ع) «موعود» است . این لقب از آن جهت به آن حضرت داده شده است که نوید ظهور او توسط انبیای الهی به تمام امت ها رسیده است و در نتیجه آن عقیده به ظهور یک منجی بزرگ الهی در آخر الزمان که جهانیان را از یوغ ستم و بیداد رهایی خواهد بخشید به عنوان یک اعتقاد عمومی و همگانی مطرح است . به گونه ای که امروزه هیچ مذهب و آیینی را نمی توان یافت که معتقد به ظهور منجی بزرگ جهانی از جمله آموزه های اصلی و پایه های اعتقادی آن نباشد . به علاوه علیرغم وقوع تحریف در متون کتاب های دینی ادیان گذشته، در بخش های زیادی از آنها به نمونه های از این نویدها بر می خوریم . به عنوان مثال در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای عهد عتیق آمده است در حداقل سی و پنج مورد نویدهایی درباره ظهور موعود جهانی به چشم می خورد . همین طور در عهد عتیق (تورات) در کتاب های اشعیای نبی در فصل ۱ و ۴۵ و زکریای نبی فصل ۱۴ و صفینای نبی فصل ۳ و سلیمان نبی فصل ۲، حزقیل نبی فصل ۲۱ و ... در این باره مطالب زیادی آمده است .

در اناجیل اربعه به این موضوع بیش از سایر منابع دینی سابق پرداخته شده است. در قاموس کتاب مقدس «مستر هاکس» تصریح دارد که در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) کلمه پسر انسان بیش از هفتصد بار تکرار شده است که تنها سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و حدود پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده موعودی سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی (ع) نیز با او خواهد آمد تا او را یاری نماید.

به همین ترتیب در کتاب های مقدس سایر آیین ها، نظیر زردشتیان، هندوها، بوداییان و ... که رهبران آنها خود را پیامبر آسمانی معرفی می کرده اند مباحث زیادی در زمینه منجی و موعود جهانی بیان شده است. مجموعه این گونه مطالب به وضوح اصیل و جهانی بودن اعتقاد به ظهور یک موعود بزرگ را به اثبات می رساند. گذشته از این در چند مورد، برخی از وعده های مهم موجود در آیات قرآنی به قیام امام زمان (ع) تطبیق شده است که از جمله آنهاست:

الف: آیه ۵۵ سوره نور: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را حتما خلیفه روی زمین قرار دهد.»...

در تفسیر این آیه و در پاسخ به این سؤال که این وعده الهی از آن کیست مفسران با استناد به روایاتی از ائمه اطهار، علیهم السلام، می گویند این آیه اشاره به حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) دارد که روزی قیام کرده شرق و غرب عالم را از طریق اجرای قوانین حیاتبخش قرآن تحت لوای حکومتش در خواهد آورد و آیین حق اسلام را در همه جا حاکمیت می بخشد، ستم، ناامنی، ترس از جنگ و قحطی و ... را به عدل و صلح و عدالت و امنیت پایدار تبدیل خواهد ساخت. طبرسی در این باره تصریح دارد که این آیه در حق مهدی آل محمد (ص) است^(۱).

نقل شده است وقتی ابو بصیر از تفسیر این آیه از حضرت امام صادق (ع) سؤال کرد آن حضرت در پاسخ فرمود:

این آیه در حق قائم آل محمد (ص) و اصحاب او نازل شده است^(۲).

ب: آیه ۲۲ و ۲۳ سوره ذاریات: «و رزق شما و هر چه به شما وعده شده در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان ها و زمین که این سخن، آنچنان که سخن می گوید، حتمی است.»

از امام سجاد (ع) روایت شده است که این آیات به مسئله قیام مهدی (ع) که از خاندان پیامبران است اشاره دارد و ...^(۳)

در زیارت معروف حضرت مهدی (ع) که مرحوم سید بن طاووس آن را نقل می کنند از آن حضرت در یک مورد با تعبیر موعود امت ها یاد شده است :

«السلام على المهدي الذي وعد الله عز و جل به الامم ان يجمع به الكلم و يلم به الشعث و يملأ به الارض قسطا و عدلا و يمكن له و ينجر به وعد المؤمنين»^(۴)»

درود بر آن مهدی که خداوند عزوجل وعده ظهور او را به امت ها داده است که به وسیله او وحدت و یکپارچگی را جایگزین پراکندگی و تفرقه نموده و وعده هایی که به مؤمنان داده شده است به دست او عملی خواهد شد ...

بنابراین چون امام مهدی (ع) همان خلیفه الهی است که وعده ظهور حکومت عادلانه او توسط تمام سفیران آسمانی به افراد تمام جوامع بشری داده شده است ایشان را به عنوان «موعود» می خوانند و همه امت ها علیرغم اختلاف نظری که در بیان مشخصات و اوصاف او دارند، ایشان را به عنوان موعود بزرگ الهی می شناسند؛ همو که پس از ظهور، همه انسان ها را به سعادت واقعی که همواره در آرزوی آن به سر می برده اند رهنمون خواهد شد و به ظلم و بی عدالتی پایان خواهد بخشید .

. بقیة الله

لقب «بقیة الله» علاوه بر آنکه ریشه قرآنی دارد توسط چند تن از امامان به حضرت مهدی (ع) داده شده است .
اجمد بن اسحاق از اصحاب با وفا و قابل اعتماد حضرت عسکری (ع) می گوید: روزی خدمت آن حضرت رسیدم تا از ایشان در باره امام بعد از او سؤال کنم وقتی به محضر مبارک امام عسکری (ع) وارد شدم بدون آنکه حرفی زده باشم و سؤالم را مطرح کنم خطاب به من فرمودند :

ای احمد! خداوند متعال از موقعی که حضرت آدم (ع) را آفرید زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز آن را از حجت خود خالی نخواهد گذاشت و به برکت همان حجت الهی است که بلاها از اهل زمین دفع می شود، زمین برکات خود را به مردم آشکار می کند و آسمان باران می بارد .

احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم! ای فرزند رسول خدا امام و حجت الهی بعد از شما کیست؟

امام (ع) به دنبال این سخن من، فوراً از اتاق خارج شدند و طولی نکشید که به همراه پسر بچه ای که چهره زیبای او چون ماه شب چهارده می درخشید و به نظر می رسید سه سال بیشتر سن ندارد برگشت و آن گاه به من فرمودند:

ای احمد بن اسحاق! این پسر من همانم و هم کنیه با جدش رسول خدا (ص) است . او کسی است که زمین را بعد از آنکه با ظلم و ستم پر شده باشد از عدل و داد پر خواهد ساخت ...

احمد بن اسحاق می گوید عرض کردم؛ آیا در این آقا زاده علامتی هست که مایه اطمینان قلبی می باشد . در این لحظه آن کودک شیرین سخن با زبان بسیار فصیح عربی فرمودند :

منم بقیه الله در زمین که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت ...

سپس احمد بن اسحاق می گوید: از خدمت مولایم حضرت امام عسکری (ع) و فرزند عزیزش خوشحال و مسرور بیرون آمدم^(۵) ...

امام هادی (ع) نیز در روایتی وقتی حضرت مهدی (ع) را توصیف می کنند می فرمایند :

او همان کسی است که وحدت کلمه در بین مردم ایجاد خواهد کرد و نعمت ها را برای انسان ها کامل خواهد نمود . خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد . او مهدی منتظر شما است . آن گاه حضرت آیه «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» را تلاوت کرده سپس فرمودند: به خدا سوگند او بقیه الله است^(۶) .

شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: آیا جائز است که در موقع سلام کردن به حضرت مهدی (ع) از او با تعبیر «امیر المومنین» یاد کنیم . حضرت صادق (ع) فرمودند :

نه، چون این لقبی است که خداوند با آن علی (ع) را نامیده است . کسی غیر از آن حضرت با این لقب نامیده نمی شود . آن شخص گفت پس چگونه به آن حضرت سلام کنیم . امام صادق (ع) فرمودند بگویید: «السلام علیک یا بقیه الله» ...

و باز در روایت دیگری امام صادق (ع) می فرمایند :

پس از آنکه امام مهدی (ع) اجازه ظهور پیدا کنند به کنار کعبه می آیند و اصحاب آن حضرت که سیزده نفرند گرداگرد آن حضرت جمع می شوند . آن گاه امام (ع) اولین سخنرانی خود را با این آیه شروع می کنند . «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^(۷)

در ادامه می فرماید: «منم بقیه الله و حجت خدا بر شما ... و از آن تاریخ به بعد هر کس که می خواهد به آن حضرت سلام کند با عبارت «السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه» سلام می کند^(۸).

همینطور در روایتی امام باقر (ع) می فرماید :

اولین سخنی که حضرت مهدی (ع) جاری می کنند این آیه است «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»

و در ادامه می فرماید: هان ای مردم! من بقیه الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما هستم . آن گاه حضرت می فرماید وقتی تعداد یاران آن حضرت به ده هزار نفر رسید قیام می کند و زمین را از لوٹ پرستش بت ها پاک ساخته و خداپرستی را در سرتاسر عالم رواج خواهد داد . البته این کار به دنبال یک دوره غیبت بسیار طولانی واقع خواهد شد تا مؤمنین از غیر مؤمنین شناخته شوند^(۹).

گذشته از همه این مطالب طبق اعتقاد شیعه، پیامبر اکرم (ص) تصریح فرمودند که جانشینان من دوازده نفرند که اولین آنها علی بن ابیطالب (ع) و آخرینشان حضرت قائم (ع) است . بنابراین قائم آل محمد (ص) آخرین ذخیره و باقی مانده از اولیاء خداست که فیض الهی به برکت وجود آن حضرت به عالم امکان نازل می شود و آن گاه که مصلحت خداوند اقتضا کند ظهور نموده و جهان را پس از پاکسازی از نابسامانی ها و ظلم و تعدی ها سرشار از عدل و داد خواهد کرد و به اهداف و آرزوهای همه انبیاء و اوصیاء الهی تحقق خواهد بخشید^(۱۰).

و به همین مناسبت است که آن حضرت گاهی در روایات با القاب دیگری چون «بقیه من بقایا حججه خلیفه من خلائف انبیائه»^(۱۱) یعنی یکتا بازمانده از حجت های پروردگار و آخرین جانشین از تبار پیامبران و «بقیه من آدم» و «البقیه من ابراهیم» و ... معرفی شده است^(۱۲)...

ادامه دارد

پی نوشت :

۱. مجمع البیان، ذیل آیه ۵۵ سوره نور .

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ .

۳. غیبه طوسی، ص ۱۱۰ .

۴. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر .

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۶ .

۶. الزام الناصب، ص ۵۷ .

۷. سوره هود، آیه ۸۶ .

۸. انجم الثاقب، ص ۶۲ .

۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲ .

۱۰. ینایع الموده، ص ۲۵۸ .

۱۱. امتخب الاثر، ص ۱۵۰ .

۱۲. الزام الناصب، ص ۱۱ .

اشاره :

شناخت القاب ائمه معصومین (ع) یکی از راه های مهم آشنایی با ویژگی ها و فضایل آن حجت های الهی است . در این نوشتار سعی شده است تا با ارایه توضیحی کوتاه و مختصر در زمینه برخی از لقب های حضرت مهدی (ع) خوانندگان عزیز، بیش از پیش با ویژگی ها و اوصاف آن حضرت آشنا شوند .

۷. مضطر

یکی دیگر از لقب های معروف امام عصر (ع) «مضطر» است . در کتاب های لغت مضطر به معنای درمانده و ناچار به کار می رود و در اصطلاح وقتی به کسی مضطر گفته می شود که او از همه اسباب و ابزارهای معمولی در حل مشکلات و برطرف ساختن گرفتاری هایی که دارد ناامید شده و با تمام وجود متوجه خدا شود و کلید حل تمام کارها را به دست خدا بداند . رسیدن به این مرحله از درک و بینش معمولاً یا در حالت اضطرار و ناامیدی کامل

پیش می آید و یا در صورت دستیابی به شناخت و معرفت های برتر - که جز از طریق توجهات خاص الهی میسر نمی گردد - امکان پذیر می شود .

به این حقیقت که «انسان چون دچار اضطراب شود متوجه درگاه خداوند می شود» در قرآن کریم نیز اشاره شده است آنجا که می فرماید: چون به کشتی نشستند خدا را با اخلاص در دین او خواندند و چون نجاتشان داد و به خشکی آورد، شرک آورند؛ تا نعمتی را که به آنان عطا کرده بودیم کفران کنند و برخوردار شوند . زودا که خواهند دانست (۱) .

گذشته از آن چه بیان شد در بحث های مربوط به دعا و شرایط اجابت آن نیز اضطراب مطرح شده است . توضیح آن که در روایت های زیادی به این حقیقت اشاره شده که از جمله عوامل به مرحله اجابت رسیدن دعاها به حد اضطراب رسیدن داعی است ؛ یعنی فرد دعا کننده به اندازه ای مضطر شود که برای برآورده شدن حاجتش هیچ عاملی جز خدا نشناسد و با تمام وجود دست به درگاه او بلند کند و از او بخواهد که مشکل او را برطرف سازد . طبیعی است که هر کس در چنین حالی متوجه خداوند متعال شود هرگز خداوند ارحم الراحمین او را ناامید نمی سازد . در بسیاری از ادعیه و روایات از حضرت مهدی (ع) با لقب مضطر یاد شده است از جمله در قسمتی از دعای ندبه آمده است :

این المضطر الذی یجاب اذا دعی . (۲)

کجاست آن مضطری که چون دعا کند، خواست او به اجابت می رسد

همینطور در روایتی که از امام صادق (ع) درباره تفسیر آیه: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء ..» (۳) وارد شده، چنین آمده است :

سوگند به خدا منظور از مضطر در این آیه قائم آل محمد (ص) است وقتی که در آخرالزمان ستم و بیداد و فساد در نتیجه سلطه پیدا کردن مستکبران و انحراف مردم از صراط مستقیم سرتاسر جهان را پر ساخت آن حضرت در بین رکن و مقام [در مسجدالحرام] دو رکعت نماز می خواند و آنگاه دست به دعا برداشته از خداوند تعجیل در فرج خود را می خواهد و پروردگار عالم نیز دعای او را اجابت نموده و به او اذن ظهور می دهد و به دنبال این واقعه مبارک آن حضرت به برکت امدادهای غیبی و هم چنین یاری انسان های مومن و شجاعی - که در آن زمان از سرتاسر عالم به گرد آن حضرت جمع شده اند - بساط ستم را از روی زمین برخواهد چید (۴) .

اما چرا به امام عصر (عج) لقب مضطر داده شده است؟

از بررسی مجموعه روایات مربوط به این بحث چنین برمی آید که امام معصوم به عنوان حجت الهی در خیرخواهی به بندگان خدا و محبت به آنان از پدر و مادر به آنها مهربان تر است؛ از هدایت پیدا کردن آنان خوشحال و از به بی راهه کشیده شدن بی نهایت ناراحت می شود. از آنجا که در شرایط بسیار سخت دوران طولانی غیبت کبری امام مهدی (ع) از وضع بندگان خدا هر لحظه باخبرند و مشاهده می کنند که چگونه دشمنان حق از طریق به کارگیری تمام امکانات خود تلاش می کنند تا با مطرح ساختن انواع شبهه ها و رایج نمودن فساد و فحشا بندگان الهی را از مسیر درست انسانیت خارج نموده آنان را به انواع رذایل و پلیدی های اخلاقی و اعتقادی آلوده سازند و یا خود آنها در نتیجه تبعیت از هواهای نفسانی و فریب خوردن از زرق و برق دنیا چگونه از معارف الهی دور شده و با دست خود زمینه های تباهی و هلاکت خویش را فراهم می سازند بسیار متأثر می شوند. از طرف دیگر وقتی در نتیجه بعضی مصالح الهی در چنین اوضاعی آن حضرت در پشت پرده غیبت به سر می برند و از انجام کامل مأموریت خود که همانا هدایت بندگان خداست به جهت عمل دیگران و موانعی که آنها ایجاد کرده اند محروم مانده است دچار حالت اضطراب می شود. مگر کدام اضطراب سخت تر از این است که کسی حجت خدا باشد و مسئولیت حفظ و تبلیغ و ترویج و حاکمیت بخشی به همه احکام و ارزش های الهی را برعهده داشته باشد اما در شرایطی واقع شود که ببیند حکام جور از یک طرف و منافقان و انسان های هواپرست از طرف دیگر احکام حیات بخش الهی را زیر پا می گذارند و بندگان خدا را از مسیر سعادت واقعی منحرف می سازند و آنها را به بی راهه سوق می دهند.

آری در دوره غیبت کبری هر روز بیش از پیش قلب رئوف و مهربان حضرت ولی عصر (عج) از مشاهده مشکلات و گرفتاری های بندگان الهی به درد می آید و بالاخره روزی آن دریای صبر و بردباری از طغیان بی حد بندگان ناسپاس و ستم پیشه به تنگ خواهد آمد و در حال اضطراب از پروردگار عالم خواهد خواست تا به خاطر پایان بخشیدن به ظلم ستمگران و رها ساختن انسان های مظلوم در بند طاغوت ها به او اذن ظهور داده شود و آن لحظه است که بشریت از زیر یوغ بیداد و جهل و تباهی نجات خواهد یافت و عدل و قسط در سرتاسر زمین حاکمیت پیدا خواهد کرد و صلح و امنیت و آسودگی خاطر، زمینه را برای تحصیل سعادت جاودانی انسان فراهم خواهد ساخت.

اللهم انا نرغب اليك دولةً كريمَةً تعز بها الاسلام و اهله و تذل به النفاق و اهله^(۵) . . .

در بعضی از روایات و دعاها از حضرت بقیه الله (ع) با لقب «منتقم» یاد شده است. انتقام در لغت به معنی مجازات کردن به کار می رود. از آنجا که تلقی خیلی از افراد این است که در مفهوم این واژه نوعی تشفی قلب و فرونشاندن سوز درون نیز مطرح است لذا نسبت دادن این لقب را به حجت الهی که هم معصوم است و هم نسبت به بندگان خدا مهربان و کریم است نمی پسندند. اما حقیقت این است در مفهوم این کلمه اصلاً مسئله تشفی و فرونشاندن خشم و غضب مطرح نیست لذا در قرآن کریم در مواردی این صفت به خدا هم نسبت داده شده است به عنوان مثال در آیه ۳۷ سوره زمر می خوانیم:

الیس الله بعزیز ذی انتقام.

در این آیه، انتقام از ناحیه خداوند متعال به معنی مجازات در قبال اعمال خلاف و ناشایست است و به هیچ وجه مسئله تشفی و فرو نشاندن سوزش درونی - که در مورد خداوند متعال قابل تصور نیست - مطرح نمی باشد.

اما در پاسخ به این پرسش که امام معصوم و حجت الهی باید مظهر کامل صفت رحمت و رحمانیت خدا باشد، بنابراین چگونه متصور است که مظهر رحمت الهی اهل انتقام باشد؟ باید به چند مطلب توجه شود:

- ۱ امام مهدی (ع) ماموریت دارند که پس از ظهور قسط و عدل را در سرتاسر عالم حاکمیت بخشند؛ لازمه اجرای عدالت، مجازات کسانی است که از تعدی به حقوق دیگران اجتناب نمی کنند؛

- ۲ از جمله سنت های الهی این است که هر عمل اختیاری انسان دارای عکس العمل مناسبی باشد، بر این

اساس در مقابل ظلم به دیگران و زیر پا نهادن حقوق انسان ها هیچ عکس العملی بهتر از مجازات عادلانه نیست؛

- ۳ وقتی در طول تاریخ این همه انبیا و اولیای الهی به شیوه های مختلف انسان ها را نسبت به رعایت حقوق دیگران و ستم نکردن نسبت به یکدیگر فرا خوانده اند با این همه باز عده ای عالماً و عامداً در تجاوز به حقوق دیگران و قانع نبودن به حق خود پافشاری می کنند و جز زبان زور هیچ زبان دیگری را نمی فهمند آیا بهترین برخورد با آنها همان زبان زور نیست؟

بنابر آنچه بیان شد حضرت مهدی (ع) پس از تمام شدن حجت بر مردم و از بین رفتن بهانه ها و عذرهایست که مجبور به استفاده از قدرت و شمشیر خواهد شد به عبارت دیگر در شرایطی که هیچ چیز به جز قدرت نظامی

کارایی ندارد امام (ع) به آن متوسل خواهد شد و گرنه در آغاز قیام باز همانند انبیا و اوصیای الهی توده های مردم را موعظه می کنند و در حد لازم به روشنگری و از بین بردن شبهات آنها می پردازند منتهی چون بسیاری از افراد پیروی از اوامر و رهنمودهای آن حضرت را به زیان حکومت و موقعیت ظالمانه خود خواهند دید در نتیجه علی رغم درک حقانیت آن حضرت به خاطر زرق و برق و مطامع دنیوی به روی امام (ع) شمشیر خواهند کشید در این شرایط است که آن حضرت هم مجبور به استفاده از قوای نظامی و قدرت شمشیر خواهند شد .

به علاوه از توجه به مضمون و مفاد روایات و ادعیه ای که امام عصر (عج) را با لقب منتقم یاد کرده اند به خوبی این حقیقت روشن می شود که انتقام گیری آن حضرت از ستمگران و متعدیان به حقوق انسان ها و مستکبران خواهد بود؛ یعنی آنهایی که بندگان خدا را به بردگی برای خود وا می دارند و حاضر نیستند که بگذارند آنها آزادانه برای خود یک زندگی و خطمشی مستقلی انتخاب کنند و به خاطر منافع خود همه هستی و سرمایه های مادی و معنوی آنان را نابود می کنند .

در شرایطی کنونی دنیا شاهد هستیم که چگونه حکومت استکباری آمریکا - که به غلط خود را رهبر جهان می خواند و به منظور تحقق بخشیدن به هدف های ظالمانه ای که دارد حاضر به شنیدن هیچ گونه حرف حق نیست و حق را آن چیزی می داند که در راستای تامین منافع او باشد و باطل را آن کاری می داند که کم ترین اصطکاک با منافع او داشته باشد - در راه برآورده ساختن مطامع ظالمانه خود حاضر می شود زن و بچه مستضعف مردم فلسطین، عراق، افغانستان و . . . را با بدترین شیوه ها به خاک و خون بکشد . مگر چنین قدرت ستمگر و مستکبری را با صرف موعظه می توان وادار به دست برداشتن از جنایت هایش کرد؟ پرواضح است چنین نظامی و سردمداران تبه کار آن، جز زبان زور و اسلحه زبان دیگری را درک نمی کنند . بنابراین وقتی امام مهدی (ع) ظهور کنند از چنین قدرت های استکباری انتقام توده های مستضعفی را که سال ها تحت سیطره آنها واقع شده اند خواهد گرفت . در مقابل، آن حضرت با توده های مردم جز به شیوه عفو و رحمت و بخشندگی رفتار نخواهند کرد . همان گونه که مفاد روایات و دعاها بر این موضوع دلالت دارند؛ به عنوان مثال :

- پیامبر اکرم (ص) در خطبه معروف خود در روز عید غدیر وقتی به توصیف امام مهدی (ع) می پردازند می فرمایند :

... الا انه المنتقم من الظالمين الا انه مدرک کل ثار لاولياء الله عزوجل ...

آگاه باشید که او [خاتم الاوصیاء مهدی موعود (ع)] انتقام گیرنده از ستمگران است . . . او خونخواه خون بناحق ریخته همه بندگان صالح خداست ^(۶) . . .

۱۲- احمد بن اسحاق می گوید: روزی در حضور امام عسکری (ع) بودم که توفیق زیارت فرزند بزرگوارشان امام مهدی (ع) نصیب من شد شنیدم که آن جانشین بر حق حضرت عسکری (ع) فرمودند :
انا بقیة الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه . . .

من بقیة الله در روی زمین خدا هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت ^(۷) . . .
۳- در قسمتی از دعای ندبه در اشاره به این مسئولیت امام زمان (ع) می خوانیم :
این الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء این الطالب بدم المقتول بکربلا . . .

کجاست آن منتقمی که خون به ناحق ریخته و پایمال شده پیامبران و فرزندان آنها را طلب خواهد کرد؛ کجاست آنکه از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید؟ ^(۸) . . .

- نقل شده است که وقتی در روز عاشورا امام حسین (ع) و اصحابش به دست شقی ترین انسان ها به ناجوانمردانه ترین صورت به شهادت رسیدند، ملائکه الهی از این پیشامد بسیار ناراحت شدند و شکایت به درگاه الهی بردند، خداوند متعال در پاسخ به آنها ضمن نشان دادن نور وجود حضرت مهدی قائم آل محمد (ص) فرمودند :

بذلک القائم انتقم منهم

به توسط این قائم آنها از [قاتلان امام حسین و یارانش] انتقام خواهم گرفت ^(۹) .

۵- در حدیث معراج پیامبر اکرم (ص) باز در این باره می خوانیم؛ وقتی در عرش الهی چشم رسول گرامی اسلام به نورهای ائمه اطهار (ع) افتاد و دید یکی از آنها با سایر نورها فرق می کند از جانب خداوند متعال ندا رسید که :
او همان قائم ماست . او همان کسی است که حلال ما را حلال و حرام ما را حرام خواهد کرد . . . من به توسط او از دشمنان انتقام خواهم گرفت ^(۱۰) . . .

همان گونه که از تک تک این روایت ها و نظایر آنها برمی آید مهدی موعود (ع) آن دست انتقام خداوندی است که همه حقوق پایمال شده انسان های صالح و مظلوم در طول تاریخ را از دشمنان باز خواهد ستاند . و هر کجا خونی به ناحق ریخته شده است انتقام آن را از عاملان آن خواهد گرفت و این کار نه تنها موجب نگرانی و دلهره مردم نمی شود بلکه دل های توده مردم را در طول تاریخ شادابی می بخشد و به آنها نشان می دهد که اگر در نتیجه طغیان و تعدی عده ای ستمگر برخی از حقوق آنها پایمال شد، بالاخره روزی ستمگران به سزای اعمال خود رسیدند و هرگز کمترین حقی از حقوق بندگان خدا ضایع و پایمال نشد .

حقیقت این است که چون بسیاری از افراد ستمگر در اغلب موارد آن چنان که باید در مقابل جنایات و حق کشی هایی که انجام می دهند به سزای عمل خود نمی رسند، اگر در برهه ای از زمان نتیجه اعمال زشت و ناپسندشان را به آنها نچشانند این کار با عدالت الهی جور در نمی آید بنابراین نه تنها وجود یک شخصیت الهی که انتقام خون های به ناحق ریخته و حقوق بی جهت پایمال شده توده های ضعیف و مستضعف در طول تاریخ را از افراد ستم گر و مستکبر بگیرد جای تعجب ندارد بلکه امری لازم و ضروری است .

پی نوشت ها :

۱. سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۶۶ و ۶۷ .

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه .

۳. سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۲ .

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ۴۸ .

۵. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح .

۶. همان، ج ۳۷، صص ۲۱۱ و ۲۱۳ .

۷. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۵۳ .

۸. مفاتیح الجنان، دعای ندبه .

۹. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۹۴ .

